

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۵، شماره ۵۸، زمستان ۱۴۰۲، صص ۱۵۳-۱۷۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2021.1919178.2169](https://doi.org/10.30495/dk.2021.1919178.2169)

واکاوی نگرش والد سالارانه مسعود غزنوی در تاریخ بیهقی براساس نظریات اریک برن

نسرین عمران‌نژاد^۱، دکتر پروانه عادل‌زاده^۲، دکتر کامران پاشایی فخری^۳

چکیده

طبق نظریه اریک برن هر فرد دارای مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری خاصی است که معرف حالت روانی اوست، اما ممکن است همین فرد در حالت روانی متفاوت، الگوهای رفتاری دیگری را بروز دهد که غالباً متناقض با رفتار قبلی اوست، و این سبب پیدایش «نظریه حالات من» شده است. اریک برن بنیان‌گذار تحلیل رفتار متقابل «حالات من» را به سه بخش والد، بالغ و کودک تقسیم می‌کند. طبق نظریه اریک برن «والد» یکی از سه حالت شخصیت انسان است که انسان آن‌ها را از والدین، یا الگوهای قدرت فرامی‌گیرند. «والد» به دو صورت والد حمایتگر و مهربان و «والد» کنترل‌کننده مستبد ظاهر می‌شود. که هر کدام از آن‌ها به دو جنبه مثبت و منفی تقسیم می‌شوند. این پژوهش با شیوه توصیفی-تحلیلی با استناد به تاریخ بیهقی و نظریات اریک برن و رویکرد میان رشته‌ای مولفه‌هایی چون ابعاد سه گانه شخصیت، انواع والد و مصادیق آن را در شخصیت امیر مسعود غزنوی مورد تحلیل قرار می‌دهد. در این بررسی معلوم می‌شود که مسعود غزنوی در موقعیت‌های مختلف چگونه عمل می‌کند و به چه روشی (من) والد خود را در قالب اعمال خود آشکار می‌نماید و این رفتار ریشه در چه تنش روحی و روانی وی قرار دارد. از بررسی نتایج این پژوهش چنین استنباط می‌شود که امیرمسعود در بیشتر مواقع «بالغ» خود را حذف و از حالت «والد» مستبد خود تصمیم‌گیری می‌کند و رویکردهایی از جمله اظهار قدرت، تهدید و ارعاب و استبداد را ایجاد می‌کند.

واژگان کلیدی: اریک برن، رفتار متقابل، والد، تاریخ بیهقی، امیر مسعود غزنوی.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

nasrin.omrannejad@gmail.com

^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسندهٔ مسؤول)

Adelzadehparvaneh@yahoo.com

^۳ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

pashaiekamran@yahoo.com



مقدمه

اریک برن نظریه‌پرداز تحلیل رفتار متقابل معتقد است شخصیت انسان از سه بخش «کودک، والد و بالغ» تشکیل شده است که منبع هر کدام از آنها به بخش خاصی از وجود انسان برمی‌گردد و واکنش افراد را در شرایط خاص با توجه به جایگاه محرک و پاسخ از خود نشان می‌دهد. اریک برن با فهمیدن این که شخصیت انسان از سه حالت «خودآگاه» تشکیل شده است رفتارهایی پیچیده بین انسان‌ها را قابل فهم کرد به نظر او هر حالت «خودآگاه» مجموعه کامل از احساسات و افکار و رفتارهایی است که افراد با استفاده از آنها واکنش نشان می‌دهند این حالت‌های شخصیتی به صورت حالات رفتاری و احساسی بروز می‌کند و فعل و انفعال بین آنها پایه نظریه تحلیل رفتار متقابل را تشکیل می‌دهند اگرچه تحلیل رفتار متقابل اریک برن تا حد زیادی بر اساس نگرش فروید شکل گرفته است اما یک تفاوت اساسی بین آنها وجود دارد فروید به کشف نکات پنهان در ناخودآگاه فرد می‌پردازد اما برن به بررسی تعامل فرد با دیگران و تحلیل رفتار در مقابل دیگران تاکید داشت. در میان متون تاریخی و ادبی، تاریخ بیهقی نمونه کامل بلاغت زبان فارسی است که بیهقی وقایع دربار غزنویان و به ویژه رفتار و شخصیت‌های آنان را با مسائل روانی-عاطفی در روابط فردی و اجتماعی توصیف می‌کند او در تاریخ بیهقی خود را ملزم می‌کند که نوشته‌هایش مبتنی بر مشاهده شخصی خود اوست و یا آنها را از شخص مورد اعتمادی شنیده است در تاریخ بیهقی شخصیت‌هایی وجود دارد که در خور اهمیت و نقش، جایگاه‌هایی متفاوتی دارند اما شخصیت اصلی و کانونی تاریخ بیهقی مسعود غزنوی است که بیشتر حوادث و رویدادها حول محور او می‌چرخد. مسعود در همه جای وقایع حضور دارد و مقتدرانه و از موضع بالا با زبردستان خود سخن می‌گوید او هیچ انعطافی نسبت به دیگران نشان نمی‌دهد و در زندگی تک بُعدی خود تنها رضایت و منافع خود را در نظر می‌گیرد. اساس کار نویسنده در این جستار، تحلیل و بررسی رفتارهای فردی و اجتماعی سلطان مسعود به عنوان حکمران عصر غزنوی است که از حالت والد و تداخل آن با دیگر حالات من که باعث ایجاد تعصب نابه‌جا، بی‌وجدانی و استبداد شده مورد واکاوی قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاریخ بیهقی بارها از جنبه‌های مختلف مکاتب روان‌شناسی بررسی شده است یکی از آثاری که با بهره‌گیری از تئوری تحلیل رفتار در تاریخ بیهقی صورت گرفته

است، مقاله تحلیل رفتار متقابل شخصیت‌های تاریخ بیهقی از نسرین عمران‌نژاد، پروانه عادل زاده و کامران پاشایی فخری است که در متن پژوهی سال ۱۳۹۷ به طبع رسیده است و در آن شاخصه‌های تحلیل رفتار بررسی شده است. مقاله دیگر تحت عنوان بازی‌های پدیریان و پسران بر اساس نظریه اریک برن از نسرین عمران‌نژاد، پروانه عادل‌زاده و کامران پاشایی فخری که در فصل‌نامه علمی- پژوهشی زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج ۱۳۹۹ که در آن به بازی‌های روانی و تبادلات پنهانی افراد منسوب به محمود و مسعود غزنوی در تاریخ بیهقی جداگانه طبق نظریات اریک برن پرداخته شده است. دیگری پایان‌نامه والدسالاری در ادب فارسی از گونه‌شناسی تبادل در سیاست‌نامه و تذکره‌الاولیا از علی صادقی منش است که به موضوعات مذکور از دیدگاه برن پرداخته است. جنبه نوآوری مقاله حاضر تبادل و شناسایی حالت «والد» مسعود غزنوی است. مسعود با قدرت اجرایی بالا «خود واقعی» یعنی «بالغ» را نادیده می‌گیرد و با تحمیل قوانین و امر و نهی در فضای کشور، اطاعت طلبی محض مردم و آشفتگی بین آن‌ها را ایجاد می‌شود. در عین حال این پژوهش به روابط متقابل (والد) بین امیر محمود و مسعود غزنوی می‌پردازد و بررسی می‌کند که چگونه رفتار والدانه مسعود متأثر از رفتار پدر اوست. و دلیل بازی‌های روانی و قدرت بین آن‌ها می‌شود. موضوع مقاله حاضر بینا رشته‌ای بوده و نگاه جدیدی به موضوعات ادبی ارائه کرده است این دیدگاه و نتایج حاصل از این مقاله می‌تواند پایه تحقیقات کتابخانه‌ای و حتی میدانی پژوهشگران رشته‌های مختلف قرار بگیرد.

روش تحقیق

این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، درصدد تحلیل بخش (والد) شخصیت امیر مسعود غزنوی با تبیین نظریات اریک برن است. که چگونه جنبه (والد) مسعود غزنوی باعث کشمکش‌ها و تضادهای خاص رفتاری او می‌شود پس از استخراج مصادیق والدگونه مسعود با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای، تحلیل آن به صورت نمودار نشان داده شده است.

مبانی تحقیق

اریک برن (Erik Bern) از مشهورترین روان‌پزشکان و نویسندگان معاصر است که در زمینه روان‌شناسی روابط بین فردی، نظریه «تحلیل رفتار متقابل» را ارائه داد که بسیار مورد توجه قرار گرفت نظریه تحلیل رفتار به منظور رشد و بهبود ارتباط درون‌فردی راهکارهایی برای درمان

های فردی، گروهی و کمک به افراد در ارتباطات خود با دیگران و پرهیز از رفتارهای مخرب انجام می‌دهد. براساس نظر برن انسان همیشه در یک حالت روانی به سر نمی‌برد انسان حالات متعددی را در طول روز تجربه می‌کند که وجوه متعدّد شخصیت او را نشان می‌دهد؛ این وجوه عبارت‌اند از «والد، کودک و بالغ».

شخصیت والد

تحت تاثیر بایدها و نبایدها و هنجارهای والدین پدید آمده است افکار احساسات، و رفتار فرد زمانی که در این حالت من قرار دارد درست شبیه پدر و مادر و یا اشخاصی است که در کودکی جانشین آنها بودند و وظیفه‌ی نگهداری و تربیت کودک را بر عهده داشتند. در این حالت من، استدلال و منطق وجود ندارد و کنشگری فرد برآیند رفتارها، گفتارها و کردارهایی است که در دوران کودکی خویش آنها را یاد گرفته است. والد گاهی بسیار کنترل‌کننده و ظالم و گاهی زندگی بخش و حمایت‌گر است. در حالت والد کنترل‌کننده و مستبد، فرد از رفتار والدین خود تقلید می‌کند در زمان‌هایی قرار می‌گیرد که والدین در حال امر و نهی و باید و نباید گفتن و کنترل او بودند (ر.ک: استوارت و جونز، ۱۳۹۵: ۶۳). به همین سبب زمانی که فرد در حالت من قرار می‌گیرد به هنگام سخن گفتن لحنی خود پسندانه و گاه آمرانه و دستوری دارد؛ هم‌چنین خود را بزرگ‌تر از مخاطب‌اش می‌بیند و به همین سبب همواره انتظار فرمان‌پذیری و احترام دارد. میزان خود برتر بینی در این حالت به حدی است که حتی زمانی که دو شخص قصد آغاز گفت‌وگویی عادی و دوستانه دارند باز با لحنی متکبرانه به انتقاد از دیگران یا و ضعیف موجود می‌پردازند (ر.ک: برن، ۱۳۹۱: ۲۷-۲۸). درحالت والد مهربان و تغذیه‌کننده، فرد در حالت تقلید و بازنمایی رفتارهایی است که والدینش به هنگام مراقبت و مواظبت از او در کودکی روا می‌داشتند که اغلب با حمایت ترحم‌آمیز بود.

در شخصیت والد هر فرد می‌توان دو بخش را باز شناسی کرد یکی والد حمایتگر و دیگری والد انتقادگر که می‌توانند جنبه مثبت یا منفی داشته باشند. دو حالت والد و جهت‌گیری مثبت و منفی آنها در ترکیب با یک دیگر چهار حالت والد را به وجود می‌آورند.

۱) والد حمایتگر مثبت: پیام‌های این والد دستوراتی در خصوص پرورش جسمانی و روانی

کودک است.

۲) والد حمایتگر منفی: دستورات این والد حالت مسدود کننده دارد که به صورت حمایت افراطی نمود پیدا می‌کند.

۳) والد انتقادگر مثبت: پیام‌های این والد نیز دستوراتی در خصوص پرورش جسمانی و روان کودک است اما این دستورات به صورت آمرانه ارائه می‌شوند.

۴) والد انتقادگر منفی: این والد دستورات مسدود کننده خود را به صورت تحقیرآمیز ارائه می‌دهد.

شخصیت کودک

بخشی از ساختار شخصیت که شامل نیازها، خواسته‌ها و احساسات هر فرد است کودک آن بخش از شخصیت است که اطلاعات را به شیوه احساسی ضبط و در برخورد با حوادث به صورت احساسی عمل می‌کند و شامل دو قسمت است: ۱- کودک طبیعی که به صورت کاملاً خود انگیخته نسبت به محیط واکنش نشان می‌دهد و تحت تأثیر هیچ عاملی جز خود نیست. ۲- کودک انطباق یافته که خود را با شرایط فشارزای محیط منطبق نموده و به دو صورت متفاوت طغیان و سازگاری واکنش نشان می‌دهد (ر.ک: بهرامی مویده، ۱۳۹۵: ۲۴۰-۲۴۶).

شخصیت بالغ

بخشی از شخصیت است که به جمع‌آوری و ارائه اطلاعات می‌پردازد و اطلاعات دریافتی از محیط یا درون شخص را ارزیابی کرده احتمالات را می‌سنجد و دارای قدرت استدلال و منطق است. بالغ تنظیم‌کننده والد و کودک در برخورد با واقعیت است.

انواع روابط متقابل

تحلیل رفتار متقابل به افراد این امکان را می‌دهد تا الگوهای رابطه میان خود و دیگران را مشخص کند. این تحلیل می‌تواند در تعیین اینکه کدام حالت من سبب بروز محرک شده و کدام حالت من اجرای پاسخ تعادل را به عهده داشته است کمک کند، این مبادلات رفتاری تکمیلی یا مکمل نامیده می‌شوند به عنوان مثال من بالغ با من بالغ، من کودک با من کودک، من والد با من والد. حال اگر پاسخ نامناسب یا غیرقابل انتظار باشد محرک به یک حالت (من) وارد می‌شود ولی از حالت دیگر پاسخ داده می‌شود اینگونه تبادل، تبادل متقاطع یا ضربداری نامیده می‌شود. به عنوان مثال در این گونه موارد محرک‌های بالغ به وسیله پاسخ‌های کودک - والد و یا والد - کودک قطع و روابط گسسته می‌شوند. مبادلات پنهانی یا بازی‌های روانی از حالت‌های

من کودک یا والد نشات می‌گیرند و هیچ‌گاه از حالت من بالغ به وجود نمی‌آید. معمولاً بازی‌های روانی برای گرفتن نوازش و زرنگ بازی صورت می‌گیرد. بازی‌های روانی با احساس ناخوشایند برای بازیگران همراه است و در نهایت به تبادل متقاطع منجر می‌گردد وجود هر سه حالت من در شخصیت انسان امری ضروری است؛ کنشگری از هر کدام از این سه حالت من در وضعیت‌های مرتبط و به صورت متعادل می‌تواند نشانه‌ی سلامت روانی باشد. اما در این میان مواردی نیز وجود دارد که در آن هر کدام از مولفه‌ها کم‌رنگ شده یا باهم تداخل دارند در این موارد حالت‌های من دچار اختلال می‌شود و در پی آن شخصیت فرد نیز با اختلال روانی مواجه می‌گردد. اریک برن این دو وضعیت را آلودگی و حذف و یا بیرون راندن (طرد) می‌نامد.

زمانی که حالت من بالغ یا حالت من والد در هم آمیخته گردد وضعیت و حالتی پدید می‌آید که آن را حالت تعصب و پیش‌داوری می‌نامند. در وضعیتی که حالت بالغ با حالت کودک خلط شود شخص دچار آلودگی می‌گردد در این حالت واقعیاتی که از طریق استدلال و تفکر در حالت بالغ فرد وجود دارد با حالت کودک او تخلیط می‌شود پژوهشگران این وضعیت را وهم یا هذیان می‌نامند. «آلودگی دوطرفه زمانی اتفاق می‌افتد که شخص پیام‌های حالت والد را با این گمان که با تفکر خود به آن رسیده است آن را از حالت کودک به ذهن می‌آورد و منطبق بر واقعیت می‌انگارد» (استوارت و جونز، ۱۳۹۵: ۱۲۰-۱۱۷). هر سه حالت آلودگی می‌تواند برابری فرهنگ والد سالارانه در جامعه باشد. در این مقوله کودک تطبیق یافته و والد دخیل هستند.

در طرد حالت شخص در حالات خود احساس امنیت نمی‌کند و آن را حذف یا طرد می‌کند در طرد کودک امیال کودکانه سرکوب و مانع بروز نشانه‌های کودکی می‌شود در چنین وضعیتی فرد دچار عذاب وجدان می‌شود در طرد والد تمام هنجارها، بایدها و نبایدها و ارزش‌های اجتماعی را که در حالت والد خود داشت به کناری می‌نهد و از آن رویگردان می‌شود که به آن بی‌وجدانی می‌گویند در طرد بالغ که به آن روان‌پریشی نیز می‌گویند فرد دچار ضعف در درک واقعیات می‌شود و نمی‌تواند با تفکر و تامل وقایع پیرامونی خود را بسنجد (ر.ک: هریس، ۱۳۹۱: ۱۲۹-۱۲۵).

بحث اصلی تحلیل رفتار تعامل بین سه شخصیت انسان، شناخت انواع روابط بین آنها یا ارتباطاتی است که به صورت بازی‌های روانی ایجاد می‌شود. تاریخ بیهقی از جمله کتب تاریخی است که بیهقی به شخصیت‌پردازی مردان حکومت غزنوی و بیان واقعیات‌های تاریخی

پرداخته است. دریافت لایه‌های پنهان افراد با مفاهیم تحلیلی اریک برن این امکان را به مخاطب می‌دهد که علت استبداد، بدگمانی، تزلزل و کارهای نابخردانه مسعود چگونه منجر به اضمحلال او و دولت غزنویان شد و همه این عوامل از نقص در ارتباطات درونی و بین فردی او ناشی می‌شود.

بحث

بیهقی در عین حال که به تحلیل رفتار و نگرش شخصیت‌های تاریخ بیهقی پرداخته مقاصد پنهانی آن‌ها را به گونه‌ای بیان کرده است که مخاطب با در کنار هم قرار دادن آن‌ها به اهداف ثانوی جدیدی پی می‌برد. به عنوان نمونه بیهقی در تمثیلی بیان می‌کند که «نفس گوینده پادشاه است مستولی قاهر غالب، باید که او را عدلی و سیاستی باشد تمام و قوی، نه چنانکه ناچیز کند، مهربانی نه چنانکه به ضعف ماند. پس خشم لشکر این پادشاه است که بدیشان خلل‌ها را دریابد و ثغور را استوار کند و دشمنان را درماند و رعیت را نگاه دارد باید که لشکر ساخته باشد و با ساختگی او را فرمانبردار. و نفس آرزو رعیت این پادشاه است، باید که از پادشاه و لشکر بترسند ترسیدنی تمام و طاعت دارند...» (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۵۵) او از تمثیل افلاطون عاریت گرفته و سه قوه خرد و سخن، نیروی خشم و کینه توزی و نیروی شهرت و میل را برای حاکم یک کشور لازم می‌داند که اگر این سه قوه به تمامی به جای باشد رواست در غیر این صورت دچار نقصان می‌شود و «ناچار آن کس در غلط افتد» (همان: ۱۵۶). اگر این سه قوه را به «حالات من» اریک برن تعمیم دهیم قوه خرد با (بالغ)، خشم با (والد) و شهوت و آرزو با (کودک) منطبق می‌شود و تعادل میان این سه حالت حفظ می‌گردد و افراد شخصیت سالم پیدا می‌کنند چنین می‌نماید که بعضی از افراد تحت تاثیر یک یا دو حالت «من» قرار می‌گیرند چنین وضعی در افراد به ایجاد مشکلاتی در دنیای خارج منجر می‌شود و زندگی و روابط آنان را تحت شعاع قرار می‌دهد (ر.ک: کارخانه‌ای، ۱۳۸۵: ۲۲). حال اگر در مقام تمثیل این ساختار روانی و شخصیت با ساختار قدرت مقایسه شود و بین آن‌ها موازنه‌ای ایجاد نشود یعنی پادشاه نفس گوینده و لشکر خشم و رعیت نفس آرزو، این بدان معنی است که پایه حکومت مقتدر، ارباب و استبداد می‌شود و آن همان است که بیهقی در تمامی زوایای تاریخ بیهقی از خودرایی مسعود و خطاهای بزرگ او سخن می‌راند (ر.ک: دهقانی، ۱۳۹۵: ۳۲-۳۳).

تحلیل تبادلی

محرك اصلی بسیاری از دسیسه‌های تاریخ بیهقی بی‌اعتمادی و بدگمانی در سلسله مراتب حکومت غزنویان به‌خصوص حکومت مسعود غزنوی است. هسته‌های بی‌اعتمادی از زمان امیر محمود در وجود مسعود ریشه دوانده بود و او را وادار می‌کرد کارهای نابخردانه انجام دهد که سرانجام موجب اضمحلال دولت و نابودی خود او شد. مسعود نه به کسی اعتماد می‌کرد و نه کسی می‌توانست به او اعتماد کند. خشونت غریزی و توهم تخت و تاج، عقده سالیان سال مقابله قدرت و عاطفه با پدر، خشم بی‌مهری در شخصیت امیر مسعود پدید آورده بود. از طرفی جناح‌بندی میان پدريان و پسران، منازعه بین امیر محمد برادرش بر سر جانشینی امیر محمود، خودرایی، دورویی، تهمت و فریب و حيله موجب از هم گسیختگی ارکان دولت و ناکامی‌های دوران سلطنت مسعود غزنوی شده بود. در نظریه تحلیل رفتار توجه به گفت‌وگوها معطوف شده است تا چگونگی تضادها و طرح‌های بین محرك و پاسخ، تعامل‌ها و ارتباطات متقاطع و حالات طرد و آلودگی در طرح شخصیت و رفتار فرد شناسایی شود.

آلودگی والد

در بیهقی از استبداد رای مسعود زیاد سخن می‌رود که در اکثر مواقع مترادف «لجبازی» و «عناد» هست چنانچه وقتی که مسعود برای جنگ با ترکمانان عازم مرو شد هنگامی که با اعتراض ملایم و اندرز آمیز درباریان مواجه می‌شود زبان به دشنام می‌گشاید و می‌گوید: «شما همه قوادان زبان در دهان یک‌دیگر کرده‌اید و نمی‌خواهید تا این کار برآید تا من در این رنج می‌باشم و شما دزدی می‌کنید. من شما را جایی خواهم برد که همگان در چاه افتید و هلاک شوید تا من از شما و از خیانات شما بر هم و شما نیز از ما برهید» (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۷). حالت من «بالغ» امیر مسعود با حالت من «والد» او درهم آمیخته می‌گردد. در این حالت او پیام‌های اندوخته شده در حافظه‌ی حالت «والد» خود را که در اغلب موارد هنجارها، باید و نبایدها و فرمان‌های پدر او (محمود) بوده‌اند. با واقعیاتی که حالت بالغش از طریق تفکر و استدلال به آن دست یافته است، در هم می‌آمیزد و بدین گونه با نگاهی متعصبانه و مملو از پیش‌داوری به پیرامون خود می‌نگرد. در وضعیتی که حالت بالغ با حالت کودک تخلیط شود نیز شخص دچار آلودگی می‌گردد که پیامدهای خاص خود را دارد. در این حالت فرد به خاطر احساس هراس و بیم‌هایی را که از کودکی در ذهن او رسوب کرده است شروع به دشنام گویی

می‌کند آنچه مسعود را دچار احساس حقارت و سستی می‌کند نوعی تفکر «والدانه» است که دل‌گرمی خود را نسبت به اطرافیان از دست داده است و بالغ او از کوشش برای یافتن سازش کارساز با آنچه پیام‌های دو پهلوی والد می‌داند دست می‌کشد راه مسعود به نظر خودش تنها راه معقول برای عقیم ساختن کوشش‌های دیگران است. «والد عیب‌جو» مسعود بر رفتار و شخصیت افراد حمله می‌کند و در واقع این احساس را به آنها می‌دهد که نه تنها رفتارشان خوب نیست بلکه ذاتا نیز خوب نیستند. مسعود آنها را قضاوت می‌کرد و باید‌ها و نیابد‌هایی را برای آنها قائل می‌شود و به راحتی تعیین تکلیف می‌کند.

آلودگی دوطرفه

مسعود در درون خود مجموعه‌ایی از حالات من را بازآفرینی می‌کند و در واقع حالت «من» امیر محمود در آن شرایط فعال می‌شود. در نامه‌ایی که برای علاءالدوله می‌فرستند با آن‌که پیشنهاد همکاری می‌دهد لیکن از حالت والد انتقادگر خود وارد عمل می‌شود. «وحشت ما بزرگ است و ما چون به وحشت بازگردیم دریافت این کار از لونی دیگر باشد والسلام» (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۴). مسعود دل‌گرم شرایط نیست و به هیچ قول و قراری اعتماد ندارد. مسعود و تهدید هراس‌انگیز او ناشی از پیش‌داوری‌ها و باورهای غلط «والد» است. اگر «بالغ» صحت و سقم عقلانی این باورها را نسنجد «والد» آلوده شده نمی‌تواند منطقی فکر کند. از جمله برای ترساندن اعیان ری هم به قتل عامی اشاره می‌کند که در اصفهان به راه انداخته است، زیرا مردم آن دیار به خود جرئت داده بودند که در برابر سپاه او مقاومت کنند: «ناحیت سپاهان و مردم آن جهانیان را عبریت تمام است» (همان: ۱۸) از نظر برن هر نادیده‌انگاشتی با بزرگ-نمایی همراه است؛ یعنی اغراق در برخی جنبه‌های واقعی. امیر مسعود وارد پیش‌نویس خود می‌شود و بدون این‌که آگاهی داشته باشد زمانی از کودکی و جوانی را بازنوازی می‌کند (بی-توجهی امیر محمود به امیرمسعود) او ماسکی از چهره پدر را بر چهره اطرافیان و وزرای خود می‌بیند و همان احساس دوران کودکی را تجربه می‌کند بنابراین او تحمل نادیده‌انگاری از سوی آن‌ها را بر نمی‌تابد. او وضعیت دوران گذشته خود را از «من خوب نیستم، شما خوب هستید» تجربه می‌کند و عصبانی می‌شود و رفتار بی‌کفایتی و خشونت خود را به شکل انرژی انفجاری تخلیه می‌کند. این تلاش ناامیدانه‌ای است که اطرافیان را مجبور می‌سازد که مشکل او

را حل کند امیر مسعود نادیده انگاری اطرافیان را روی هم ذخیره می‌کند و سپس آن‌ها را به صورت اعمال تهدید و ارباب و خشونت آزاد می‌کند.

«والد» یکی از نظام‌های به هم پیوسته اندیشه و احساس است که با توجه به انگارهای رفتاری آشکار می‌شود. «من» در این حالت پویا است از جمله در تربیت فرزندان خود. حتی اگر شخص در عمل، حالت من خود را به نمایش نگذارد روی رفتارش به عنوان «تاثیر والد» که در نقش وجدان عمل می‌کند اثر می‌گذارد (ر.ک: برن، ۱۳۹۵: ۱۸).

بخش زیادی از والدسالاری مسعود میراثی است که از محمود به ارث رسیده است آنچه که در سرنوشت حسنک وزیر از حبس و قتل اتفاق افتاده سرنوشت مشابه ابوالعباس اسفراینی وزیر محمود اتفاق افتاده است. از نظر باسورث «وقتی که مسعود بر تخت سلطنت مستقر گردید، به ترتیب به زیر آب کردن سر آنانی پرداخت که از ایشان نفرت داشت. آنان که در حیات پدر، او را خوار می‌شمردند. آنانی که به خیال او محمود را ترغیب می‌کردند تا او را از ولیعهدی خلع کنند ... و حسنک که به اتهام رافضی بودن اعدام گردید...» (باسورث، ۱۳۸۴: ۲۳۸-۲۳۷).

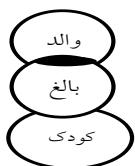
طرد والد

امیر مسعود در ماجرای اعدام حسنک وارد نظام ترفند مخرب می‌شود. نظام ترفند مخرب مجموعه‌ای از باورهای فرد است که به شکل حلقه معیوب درآورده و آن شیوه مضّر و مرسوم است که هدف خود را به وسیله آن پیش می‌برد و عکس العمل دیگران را بر می‌انگیزد رفتار مضّر و شیوه مرسوم (تهمت زدن دینی و مذهبی به دشمنان) حجتی و عذری باید کشتن این مرد را... حجتی بزرگتر که مرد قرمطی است (ر.ک: بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۲۸). در همه این اتفاق‌ها یک تبادل نهانی قرار دارد. «والد» بوسهل «کودک» (تطبیق یافته) مسعود را خطاب قرار می‌دهد و او را به انتقام جویی فرا می‌خواند هرچند ظاهر محاوره بین مسعود و بوسهل به صورت «بالغ - بالغ» است اما در واقع مسعود آن را به صورت «والد - کودک» در می‌آورد اما در ظاهر بالغ است. در واقع مسعود در اموال حسنک طمع دارد و از میمندی می‌خواهد قُضات را حاضر آورند تا در حضور آنها اموال حسنک را به نام وی کنند. در این تبادل بین امیر مسعود و حسنک احساس تخریبی به وجود آمده است وضعیت تخریبی یک سری از رفتارهای

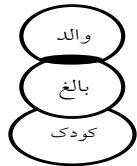
پیش‌نویس است که خارج از آگاهی افراد به عنوان وسیله ایی برای کنترل محیط اطراف به کار گرفته می‌شود (ر.ک: استوارت و جونز، ۱۳۹۵: ۴۱۸).

آلودگی کودک

پیش‌نویس زندگی مسعود (عزل از ولیعهدی و بیمهری توسط پدر و برادر) همانند یک کش لاستیکی او را به صحنه‌های نامالایم زندگی سوق می‌دهد او احساس تخریبی خود را انباشته کرده به صورت تمبر، خشم خود را نقد می‌کند. (حقدها) همان کش لاستیکی است که امیر مسعود را به گذشته مربوط می‌سازد. «خواجه احمد حال حسنگ بر تو پوشیده نیست که به روزگار پدرم چند درد، در دل ما آورده است. و چون پدرم گذشته شد چه حقدها کرد بزرگ در روزگار برادرم و لکن نرفتش و چون خدای عز و جل بدان آسانی تخت ملک به ما داد اختیار آن است که عذر گناهکاران بپذیریم و به گذشته مشغول نشویم (ر.ک: بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۲۸). امیر مسعود بازی روانی را شروع کرده او تمبرهای خشم خود را از حسنگ در زمان طرفداری از ولیعهدی برادرش و استخفاف خود جمع کرده ظاهراً می‌گوید گذشته را فراموش کرده است اما با کلمه (در این اعتقاد این مرد سخنی می‌گویند) مثلث نمایشی را به وجود می‌آورد که در راس آن مسعود (آزارگر) و حسنگ (قربانی) می‌شود تعامل میان آن‌ها همخوانی ندارد و گفت‌گوی میان طرفین قطع می‌شود (تبادل متقاطع) حسنگ اعدام می‌شود و امیر مسعود به نشاط سه روزه می‌رود. مسعود غزنوی «چون می‌خواهد به کاری بزرگ و ناپسند دست بزند، به علت آن‌که می‌داند کار او قابل دفاع و توجیه نیست دستور می‌دهد انجام بدهند ولی خود از شهر خارج می‌شود (ر.ک: متینی، ۱۳۶۸: ۴۴۱). بازی‌های روانی دارای عناصری از همانند سازی فرافکن (به‌شکلی از پدیده انتقالی) است، زیرا فرد فرافکن‌کننده (امیر مسعود) به گونه‌ای با دریافت فرافکنی‌اش (حسنگ وزیر) رفتار و ارتباط برقرار می‌کند که دریافت‌کننده را تحریک یا ترغیب به نشان دادن پاسخی می‌کند که به دنبالش بوده است حسنگ گفت: «من خطا کردم و مستوجب هر عقوبت هستم که خداوند فرماید» (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۳۳).



(نمودار ۳) آلودگی «والد» امیر مسعود



(نمودار ۲) آلودگی «کودک» امیر مسعود



(نمودار ۱) آلودگی «دو طرفه» امیر مسعود

آلودگی (قسمت هاشور زده نشانگر آلودگی است)

در نمودار شماره (۱) امیر مسعود پیام‌های (والد) را با نوازی می‌کند و با باورهای «کودک» درون آن‌ها را تایید می‌کند و هر دوی این‌ها را با واقعیت اشتباه می‌گیرد.

(والد) امیر مسعود ← به آدم‌ها نمی‌شود اعتماد کرد و حتی به پدر (امیر محمود) «کودک» امیر مسعود ← من هیچگاه نمی‌توانم به کسی اعتماد کنم (به اطرافیان و وزرا اعتماد نداشت).

در نمودار شماره (۲) بالغ امیر مسعود ← عذری باید در کشتن این مرد (کودک) امیر مسعود ← برای نشاط سه روزه از شهر بیرون رفت (سکوت کرد).

در نمودار شماره (۳) (بالغ) امیر مسعود ← حسنگ بی‌گناه است (والد) امیر مسعود ← با تعدی‌ها مسعود را آزرده.

می‌توان پیامد کار حسنگ و علت به دار آویخته شدن او را در آن جمله بیهقی جست کار وزیر حسنگ آشفته گشت که به روزگار جوانی ناکردنی‌ها کرده بود و زبان نگاه نداشت و این سلطان بزرگ محتشم را خیر خیر بیازرده چنین استنباط می‌شود که او از فراتابی و بازی خاص زبانی که در دربار متداول بوده، استفاده نکرده بود جایگاه خاص سلطنتی مسعود متفاوت با دیدگاه و الگوهای ذهنی حسنگ است اما خواه ناخواه زیردستان فراتابی‌ها و بازی‌های زبانی پادشاه را به حساب اقتدار سلطنتی می‌گذارند و قبول می‌کنند (ر.ک: کاظم‌زاده و مشتاق‌مهر، ۱۳۹۹: ۲۳-۲۵).

طرد والد

رفتار فردی از طریق والد از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. والد کنترل‌کننده و مستبد، بیان‌کننده رفتارهای والدی است که با تحقیر طرف مقابل همراه باشد به گفته هارولد کاکس افرادی که گرسنه چنین اقتداری هستند معمولاً از زخم‌هایی رنج می‌برند که توسط والدین یا مدرسه یا کار فرمایان به آن‌ها وارد شده است. شخصیت مسعود غزنوی تحت سلطه والد قرار دارد او در کودکی خود احساس غیر خوب دارد در بالغ او آلودگی ایجاد می‌شود و کارهای نامناسبی انجام می‌دهد والد او را مجبور می‌کند کارهایی را انجام دهد که زمانی برای خود مسعود آزاردهنده و تهدیدکننده بود. رفتار امیر مسعود در حکم‌رانی تقلیدی از نقش والد خود (امیر محمود) است او رفتار پدر خود را بازنوازی می‌کند و با تجربیاتی که دارد والدگونه رفتار می‌کند او شیوه پدر را در به دام انداختن افرادی چون حاجب غازی و اریارق اجرا می‌کند. اعتماد آن‌ها را جلب می‌کند مجلسی برقرار می‌سازد و با یادآوری خدمات گذشته آن‌ها و خلعت و شراب با حالت بالغانه «کودک» آن‌ها را مورد خطاب و بازی قرار می‌دهد اما در واقع از

جانب اریاق و حاجب غازی ایمن نبود و مصاحبت و همراهی و قدرت آن‌ها را برای خود، تهدید آمیز می‌دانست «والد» امیر مسعود خطر را به او گوشزد می‌کند پس دو حالت دیگر، یعنی «بالغ» و «کودک» را کنار زده و با حالت «والدانه» خصومت خود را آشکار می‌کند و با انجام مکرهایی آن دو را از بین می‌برد. دو نقش کودک و والد تا حد زیادی بازخوانی خاطرات گذشته و الگوهایی است که در دوران کودکی تجربه یا آموخته شده است نقش والد رسوب کردن انرژی‌ها و باورهای والدین در نگرش‌ها است. امیر مسعود درگیر رفتار خود تسکینی است و با نادیده گرفته شدن مبارزه می‌کند متوجه محرک‌ها هست و می‌داند که راه حلی وجود دارد بنابراین او بعد از پادشاهی برای این که آزمندی خود را در پس پرده دین پنهان کند در جلسه‌ای اعلام کرد که «بر دلم می‌گردد شکر این چندین نعمت را که تازه گشت، بی‌رنجی که رسیده و یا فتنه‌ای که به پای شد غزوی کنیم بر جانب هندوستان دور دست‌تر تا سنت پدران تازه کرده باشیم ... (ر.ک: بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۷۵۵). او با عناصر «والدی» آموخته‌های خود را در محتوای نفسانی والد خود بایگانی کرده است. حالت من «والدانه» امیر مسعود تمام کدها، اختراها و قوانین «محمود غزنوی» را با مقوله دین بازسازی می‌کند «والد» مستبد مسعود به منظور ارضای هوس آزمندانه خود در بدترین زمان ممکن راهی هانسی می‌شود و کشتاری عظیم در آن ناحیه به راه می‌اندازد.

طرد کودک

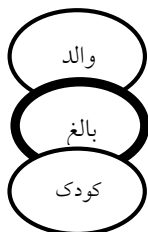
ارعاب، حمایت آموخته شده والد است و مسعود با حالت خصومت و جبهه‌گیری و تهدید در گرفتن مالیات‌های سنگین برای هزینه دربار به مردم آمل گفت «اگر به طوع پذیرفتند فبها و نعم و اگر نپذیرفتند بوسهل اسماعیل را باید به شهر فرستاد تا به لت از مردمان بستاند بر مقدار بسیار» (همان، ج ۱: ۶۸۵). امیر مسعود وارد بازی «من خوب هستم، شما خوب نیستید» می‌شود. در این بازی او آزارگر و مردمان زیردست او قربانی هستند. شیوه‌های رفتاری او منطبق بر طرحی ناخودآگاهانه است که منجر به تبادل های تکراری با دیگران می‌شود و بُرد منفی به همراه دارد (ر.ک: هی، ۱۳۸۰: ۲۹۶) «آملیان چون این حدیث بشنودند به دست و پای بمردند» (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۶۸۵). فرد مستبد برای رسیدن به هدف خود رفتارهای متناقضی انجام می‌دهد گاهی فروتن و متواضع و آن‌جا که خود را بر اریکه قدرت می‌بیند، احساس تسلط، قدرت و خودکامگی دارد برخورد مسعود نیز همواره در دوره حکومت و قبل از آن کاملاً

متناقض بود (ر.ک: صحرائی، میرزایی مقدم، ۱۳۹۰: ۱۲۶). در برخورد با بزرگان ری نیز همین موضوع دیده می‌شود «مسعود» در حضور بزرگان ری، با آنها سخن گفت و آنها را به بهترین پادشاه ها وعده داد، (اگر فرمانبردار باشند) و به تعبیر بیهقی اگر به خلاف آن باشد، از ما در یافتن بیند فراخور آن.. نوعی تهدید در سخن مسعود نهفته است چنان که اعیان ری در یک‌دیگر نگرسته و دهستی و حیرتی بدیشان راه نمود. مسعود با حالت «والد» خود «کودک» اعیان ری را مورد خطاب قرار داد اعیان ری برای آن که از شر خشم افسار گسیخته مسعود در امان بمانند، نقش بازی کردند. استیفن کارپمن (Stephan karpman) نمودار ساده و در عین حال موثری را برای تجزیه و تحلیل بازی روانی به کار برد که در آن آزارگر، نجات دهنده، قربانی هر کدام نقش‌های پیش نویس زندگی خود را ایفا می‌کنند (ر.ک: استوارت و جونز، ۱۳۹۵: ۴۷۴-۴۷۳). مسعود با حالت «والد» مستبدانه خود عواقب این تبادل را پیش‌بینی می‌کند که جبران‌ناپذیر است یک تبادل پنهانی بین امیر مسعود و اعیان ری ایجاد می‌شود امیر مسعود در ظاهر نقش ناجی را با اعیان ری ایفا می‌کند و آن‌ها قربانی اما در واقع با تهدید و ارباب زیر نقاب ناجی، نقاب آزارگر را به چهره می‌زند در این بازی‌ها برنده امیر مسعود است و اعیان ری در موضع قربانی قرار می‌گیرند.

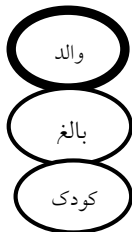
آلودگی دوطرفه

همکاری مشترک بین کودک اغلب موفقیت‌آمیز است اما اگر والد وارد عمل شود پیام‌های آزار دهنده بر بالغ مستولی می‌گردد و همین است که مسعود بدون بررسی محتوای پیام، تغییرات طراحی شده‌ای را اجرا می‌کند مسعود می‌داند علی قریب در به سلطنت رساندن برادرش امیر محمد دست داشت و با حالت «والدانه» خطاب به «کودک» علی قریب می‌خواهد ظاهراً به پاس خدمات او به پدر و خودش با لحنی دلسوزانه و از سر شفقت سخن می‌گوید: «در هوی و دوست داری ما چنین خدمتی کردی». هر چند ظاهر محاوره به صورت «بالغ» به «بالغ» است اما در واقع امیر مسعود آن را به صورت «والد-کودک» در می‌آورد (بسیار رنج‌ها کشیدی). و علی قریب با جنبه‌ی «کودک-والد» پاسخ می‌دهد (او را دعا کرد و بازگشت) (ر.ک: بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۴۲). مسعود بازی نیرنگ را با پیام پنهان خود انجام می‌دهد از نظر برن این تبادل دارای نوازش کلامی است و بین سلطان مسعود و علی قریب ایجاد می‌شود اما آنچه که در این تبادل علی قریب دریافت کرد از نظر برن نوازش تملق‌آمیز است سخنانی که

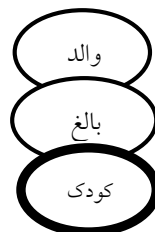
امیر مسعود نسبت به علی قریب ابراز می‌کند غیر صمیمانه است و از نظر برن نوازش پلاستیکی» است (همه این‌ها دام است تا به دانه برسند). گفت و گوهای نمایشی مسعود با علی قریب که با هم نقش بازی می‌کنند و رابطه آن‌ها که به رابطه متقابل متقاطع می‌انجامد «و کدام برادر و علی را میهمان داشت! که علی را استوار کرده بودند...» (ر.ک: همان: ۴۹).



نمودار (۶) طرد بالغ



نمودار (۵) طرد والد حمایتگر



نمودار (۴) طرد کودک

(نمودار ۱) امیر مسعود وقتی که «کودک» درون خود را راند به فردی خشن، بی تفاوت و خشن تبدیل شد در مسئله کشتار مردم آمل و رفتن به ساری می‌گوید (روی چنین می‌داند که بروم)

(نمودار ۲) زمانی که امیر مسعود حالت والد حمایتگر خود حذف یا مسدود می‌کند بدون قواعد از پیش تعیین شده عمل می‌کند. و قواعد تازه‌ایی ایجاد می‌کند در روزهایی که ترکمانان در اندیشه حمله به خراسان هستند امیر مسعود در فکر غزو و گشودن قلعه هائی بود او را برحذر کردند اما موافقت نکرد.

(نمودار ۳) امیر مسعود با حذف بالغ، رشد و توانمندی خود را مسدود می‌کند و تنها گفت و گوی درونی بین «کودک» و «والد» را می‌شنود رفتار، افکار و احساس او در حالت نزاع و برخورد دائمی است و به فرد روان پریش تبدیل می‌شود دستور اعدام حسنگ وزیر را به صورت غیر مستقیم داده وبا سکوت ظاهری خود آن را تایید و اریارق و غازی را صادر و سپس قتل آن‌ها را صادر می‌کند.

آلودگی کودک

والد «موجودیت خود را از دیگران می‌گیرد حالتی کاملاً تثبیت شده از حالت «من» نیست چرا که می‌تواند به مرور زمان تغییر کند بدین‌گونه که تجربیات فرد می‌تواند به بیان والدگونه رفتارها اضافه یا کم کند (ر.ک: استینر، ۱۳۹۵: ۵۲). امیر مسعود بعد از این‌که جانشین پدر می‌شود همان رفتاری را در پیش می‌گیرد که پدر با او داشته است. آنچه که باعث تحقیر و ترس امیر محمود

از فرزندش امیر مسعود بود. توانایی‌های مسعود در میدان نبرد، و نیز مقتدر بودن او که همانند یک شاه از ابزار قدرت بهره می‌جست و گماشتن مشرفان وفادار اوج قدرت را او در داستان خیشخانه نمایان می‌سازد. «حالت من والد» امیر مسعود بازخورد پدرش را در مورد قدرت و اطرافیانش بازسازی می‌کند. این «حالت من» شامل بازخوردی سختگیرانه در برابر رفتار امیر مسعود است. زمانی که محمود ملطفه‌هایی می‌فرستند که «فرزندم عاق است» (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۲). پدر و پسر وارد بازی قدرت و رقابت طلبی می‌شوند امیر مسعود از دیدگاه برن دچار «نادیده انگاری» شده است. نادیده انگاری تبادلی متقاطع است که در آن نادیده گرفته شده محرکی را از حالت من «بالغ» خود به «بالغ» فرد دیگری صادر می‌کند و آن بخش با «والد» یا «کودک» خود به آن پاسخ می‌دهد (استینر، ۱۳۹۵: ۱۵۱). کنش از بالغ امیر محمود صادر می‌شود و زمانی که امیر مسعود ملطفه‌ها را نابود و به کاریز می‌ریزد با حالت «والد» خود پاسخ می‌گوید.

آلودگی دوطرفه

یکی از مجال‌هایی که بیهقی توانسته است مسعود را بهتر از آن‌که بوده، معرفی کند ماجرای حکومت موقتی محمد، برادر مسعود است و سپس زندانی شدن او به دست علی قریب که گویا مسعود را محق‌تر می‌دانست نامه‌ای از جانب مسعود به علی قریب رسیده است: «... ما را مقدر است و مقرر بود در آن وقت که پدر ما امیر ماضی گذشته شد و امیر جلیل، برادر، ابواحمد را بخواندند تا بر تخت ملک نشست ... و ما ولایتی دور سخت با نام گشاده بودیم... و نامه بنشینم ... اگر شنوده آمدی و خلیفت ما بودی و آنچه خواسته بودیم در وقت بفرستادی، ما با وی به هیچ حال مضایقت ما بودی و آنچه خواسته بودیم در وقت بفرستادی، ما با وی به هیچ حال مضایقت نکردیم... تا مملکت مسلمانان زیر فرمان ما دو برابر بودی، اما برادر راه رشد خویش بندید و پنداشت که مگر با تدبیر ما بندگان تقدیر آفریدگار برابر بود» (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۸).

در واقع مسعود با استفاده زیاد از کلمه ما در این نامه از نوسان‌های وضع روحی خود پرده بر می‌دارد و آن را به شکل دعوی قدرت، اظهار خشم و تهدید و ارباب‌نمایش نمایش امیر مسعود مواصلت و همراهی برادر خود را تهدیدآمیز می‌داند «والد» امیر مسعود خطر را به او گوش زد می‌کند و دو حالت دیگر «بالغ» و «کودک» را کنار زده با حالت «والدانه» خصومت خود را به امیر محمد متذکر می‌شود. او همزمان وارد بازی من خوب هستم شما خوب نیستید می‌شود و در جایگاه آزارگر ایفای نقش می‌کند و امیر محمد نقش قربانی را بازی می‌کند.

خودخواهی و استبداد امیر مسعود تا بدان حد است که در نامه‌ایی که به خلیفه می‌نویسد خود را در جایگاه اول می‌داند «... و برادر خلیفت ما باشد، چنان‌که نخست بر منابر نام ما برند به شهرها و خطبه‌های به نام ما کنند آن‌گاه نام وی، و بر سکه درم و دینار و طراز جامع، نخست نام ما نویسند آن‌گاه نام وی...» (بیهقی، ۱۳۸۸: ج ۱: ۶۶).

القابی چون خداوند عالم، ولی النعم، خداوند حق‌تر، سلطان بزرگ و... نه فقط به عنوان احترام بلکه بیانگر جایگاه واقعی صاحب آن در سلسله مراتب قدرت است و یک پیام از حالت والد مسعود است که تنها او شایستگی حکومت بر مردم را دارد. او برای رسیدن به خواسته‌ای به رفتارهای زیرکانه و حتی نمادین متوسل می‌شود (از جمله نامه به خلیفه و تایید شدن از سوی او) هر چند ممکن است خواسته‌های اولیه او همچنان ارضا نشده باقی بمانند، «همانگونه که شخصیت انسان به مرور زمان پیچیده‌تر می‌شود، خواسته‌های او نیز منحصر به فردتر می‌شوند و به طور کلی باعث دگرگونی در آمیزش اجتماعی آنها می‌شود» (برن، ۱۳۹۶: ۸۶). از نظر تحلیل رفتار چنین افرادی به نظر روانی به گرسنگی محرک یا گرسنگی شناخته شدن دچار می‌شوند (recognition hunger). و آن‌ها به قدری اغوا کننده هستند که انسان‌ها شدیداً طالب نهادهای شناسایی می‌شوند و در هر برخورد انتظار تبادل این نمادها را دارند (ر.ک: همان: ۸۶).

والد مهربان

بخشی از شخصیت که دلسوز، مهربان، کمک کننده، حمایت‌گر و محافظت کننده است والد مراقبت کننده یا والد مهربان می‌گویند که راه‌های عملی کنار آمدن با مشکلات و راه خردمندی و حرکت در مسیر ارزش‌ها نشان می‌دهد (ر.ک: برن، ۱۳۹۶: ۷۳). امیر مسعود در مواقعی خود را با حالت نفسانی والد مهربان به اطرافیان و مردم کشور خود نشان می‌دهد. زمانی که فشار روانی در بعضی از وقایع بر مردم بالا بود امیر مسعود در موضع والد مهربان یا مطیع به گونه‌ای رفتار می‌کرد تا دلسوزانه از آن‌ها مراقبت کند. به نقل بیهقی هر جا که تصمیمی نسبتاً عاقلانه از وی دیده می‌شود آن تصمیم ارتباط زیادی با پایه‌های حکومت وی دارد. (و ردپای مصالح شخصی در آن دیده می‌شود) اگر رحم و شفقتی؛ نسبت به افرادی محدود یا کسانی داشت که دخالت زیادی در کار او ندارند این رحم نوعی تبلیغ عوامانه به حساب می‌آید. بیهقی مواردی را بیان می‌کند. از جمله ترحم امیر مسعود به بیست تن از فراشان مقصر در غزنین «امیر گفت هر یکی را یکی چوب فرموده بودیم و آن نیز بخشیدیم، مزیند، همگان خلاص یافتند و این

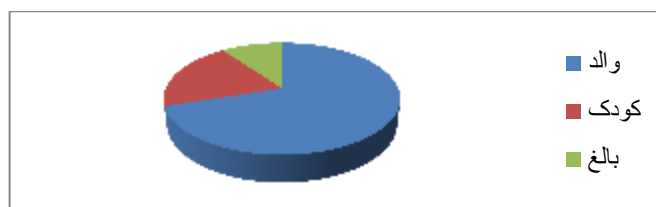
غایت حلیمی و کریمی باشد. چه نیکوست العفو عنده القدره (ر.ک: بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۸۲). در مورد دیگر بیهقی، حلم و ترحم او را به منزلتی معرفی می‌کند در ماجرای بوسعید و بخشش شعرا و امیر گفت «این مال به تو بخشیدم که قوم را این حق است خیز به سلامت به خانه بازگرد بوسعید از شادی بگریست سخت به درد» (همان: ۱۸۱). در ماجرای مانک می‌گوید: «مانک را حق بسیار است در خاندان ما، این حاصل و گوسپندان بدو بخشیدم. عبدالغفار به دیوان استیفا رود و بگوید مستوفیان را تا خط بر حاصل و باقی او کشند. و مانک نظری یافت بدین بزرگی» (همان: ۱۸۰) و نیز سخاوت امیر مسعود چنان بود که بازرگانی را او بومطیع سگزی گفتند یک شب شانزده هزار بخشید (ر.ک: همان: ۱۷۸) و در ماجرای رود هیرمند مثال داد تا هزار هزار درم به غزنین و دو هزار بار درم به دیگر ممالک مستحقان و درویشان دهند (ر.ک: همان: ۷۳۰).

جدول (۷) مصادیقی از انواع پیام‌های والد مسعود غزنوی

والد انتقادگر منفی	والد انتقادگر مثبت
۱- مردم آمل را به پرداخت هزار هزار دینای زر نیشابوری و اموال فراوان دیگر ملزم نمود و برای وصول آن، به زور و سپاه و آتش زدن متوسل شد (بهشت آمل دوزخی شد)	۱- در حمله مسعود به غور پس از قلاع امر فرمود یکی از قلاع منادی کردند مال و سیم و برده، لشکر را بخشیدم
۲- وسوسه‌های او بر گرفتن برادر، عمو و چند تن از سرداران خود.	۲- در فتح قلعه هانسی برهمنان را با دیگر مردم جنگی بکشتند و زنان و فرزندان را برده کردند و آنچه از نعمت بود به لشگر افتاد
۳- بر دار کردن حسنک وزیر، گرفتن اموال او من شما را جایی خواهم برد که همگان در چاه افتید. (بیهقی، ج ۱، ۱۳۸۸: ۲۶۹)	۳- از دین و خداترسی در مطیع و متقاد نگاه داشتند و مردم و سپاهیان استفاده می‌کرد
مسعود از سر خشم گفت «این قواد مظفر را بر پا باید آویخت» (همان: ۲۱۵)	۴- حملات خود را غزا و جهاد در راه خدا جلوه می‌داد
در حالی که مسعود غزنوی پیمانانه شراب در دست داشت قتل ۲۴ تن از اسیران ترکمن را در پیش «خیمه-ی بزرگ» فرمان داد «و هول روزی بود و خبر آن به دور و نزدیک رسید» (همان: ۱۸۰)	۵- برادر خلیفه ما باشد در صورتی که ابتدا نام مسعود در منابر برده شود
فرو گرفتن حاجب غازی و اربارق و ضبط اموال آن‌ها اخذ مالیات‌های سنگین از مردم «اگر به طوع	۶- ابتدا نام مسعود بر سکه و دینار و درم حک کنند سپس نام برادر (امیر محمد)
	۷- «تا کی این ناز احمد؟ نه چنان است که کسان دیگر نداریم که وزارت ما بکنند اینک یکی قاضی شیراز است» (بیهقی، ج ۲: ۴۱۶)

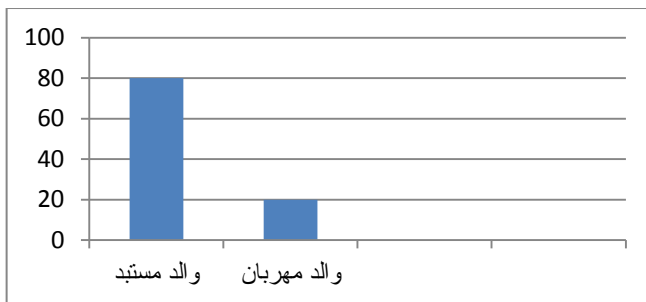
<p>پذیرفتند فبها و نعم و اگر نپذیرفتند به لت...» همان (همان ۲۶۹): زندانی کردن علی قریب و مصادره اموال او و قتل او زندانی کردن امیر محمد و مصادره اموال او کور کردن او</p>	<p>۸- امیر بوسهل عارض را بخوانده بود و به زبان بمالیده و سرد کرده و گفته تاکی از این تدبیرهای خطای تو؟ اگر پس از این در پیش من جز در حدیث بر من سخن گویی، گویم گردنت بزنند (همان، ج ۲: ۴۶۱)</p>
<p>«و نرسد خدمتکاران ایشان را که اعتراض کنند و خاموشی بهتر با ایشان هر کسی را که قضا به کار باشد» (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۵۱). در آستانه شکست دندانقان خواجه احمد عبدالصمد وزیر به بونصر مشکان می‌گردید و او سخنان وزیر را برای بیهقی نقل می‌کند «میبینی این استبدادها و تدبیرهای خطا که این خداوند پیش گرفته است؟ ترسم که خراسان از دست ما بشود...» تاریخ بیهقی ۱۳۸۸، ج ۳: ۸۹)</p>	<p>۹- و عبدوس را نیز خوانده و بسیار جفا گفته که سرّ ما را که با تو گفتیم، آشکارا کردی! و شما هیچ کس سرّ داشتن را نشاید. (همان، ج ۲: ۴۶۱) امیر عبدوس را نزدیک قوم اریارق فرستاد «خداوندان شما ماییم، کودکی مکنید و دست از جنگ بکشید که پیداست عدد شما چند است به یک ساعت کشته شوید و اگر به خود باشید شما را بنوازیم و به سزا داریم» (همان، ج ۱: ۲۷۵)</p>
<p>نومیدی وزیر از استبداد امیر (همان، ج ۳: ۹۴۷) امیر گفت این محال است که شما می‌گوئید من جز به مرور نروم که خصمان آنجا آیند ... گفتند فرمان خداوند را باشد ما فرمان برداریم، هر کجا بود (بیهقی ۱۳۸۸، ج ۳: ۹۴۳)</p>	<p>امیر به غازی گفت «صلاح تو آن است که یک چندی پیش ما نباشی و به غزنین مُقام کنی که چنین خطایی رفت، تا بتدریج و ترتیب این نام زشت از تو بیفتد و کار را دریافته شود (همان، ج ۱: ۲۸۲)</p> <p>امیر گفت: وی را هزار چوب ببايد زد و خصی کرد. اگر بمیرد قصاص کرده باشند، اگر بزند نگریم تا چه کار را شاید بزیست و به آب خود باز آمد در خادمی هزار بار نیکوتر از آن شد و زیباتر (بیهقی، ج ۲: ۵۱۱).</p>
<p>لجاج وابسته اداری مسعود به گونه‌ای بود که سخن ناصحان را نمی‌شنیدحتی کسانی مانند بو نصر مشکان که از نزدیک‌ترین رجال طرف مشورت محمود و مسعود بود زمانی که از دست استبداد رای مسعود به ستوه آمده بود گفت: «خاک بر سر این خاکسار که خدمت پادشاهان کند که با ایشان وفا و حرمت و رحمت نیست و من دل به همه بلاها خوش کرده ام» (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۹۲۷)</p>	

<p>گفتم زندگی خداوند درازا باد، رویهان را زهره نباشد از شیر خشم آلود که صید بیوران نمایند که این سخت بسته است. امیر گفت: اگر شیر دستوری دهد؟ گفتم بلی توان نمود (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۴۸۰)</p> <p>«اما ملوک هرچه خواهند گویند و با ایشان صحبت گفتن سودی ندارد به هیچ حال»</p>	
<p>والد حمایتگر منفی</p>	<p>والد حمایتگر مثبت</p>
<p>۱- نامه مغرورانه و تهدیدآمیز مسعود برای امیر محمد برادر خود- «اگر شنوده آمدی و خلیفت‌ها بودی و آنچه خواسته بودیم در وقت بفرستادی ما با وی به هیچ حال مضایقت نکردمی...» (همان: ۱۵)</p> <p>۲- در نامه‌ای به علاءالدوله، پسر کاکو در سپاهان ظاهراً پیشنهاد همکاری می‌دهد لیکن تهدید و ارعاب می‌کند</p> <p>۳- پیش از حرکت از ری، اعیان ری را مورد نوازش قرار می‌دهد، خلعت می‌دهد. اما آنان را مورد خشم قرار می‌دهد</p> <p>«وحشت ما بزرگ است، این کار از لونی دیگر باشد» (همان: ۱۲)</p>	<p>۱- امیر گفت: «هر یکی را یک چوب فرموده بودیم آن نیز بخشیدیم مزیند» (همان: ۱۸۲)</p> <p>۲- در ماجرای بوسعید و بخشش شعرا گفت: «این مال به تو بخشیدم که قول را دین حق است خیز به سلامت به خانه بازگرد» (همان: ۱۸۱)</p> <p>۳- «مانک را حق بسیار است در خاندان‌ها، این حاصل و گوسپندان بدو بخشیدم» (همان: ۱۸۰)</p> <p>۴- «در ماجرای هیرمند هزار هزار درم به مستحقان بخشید.» (همان: ۷۳)</p>



نمودار (۸) بسامد حالات من «کودک»، «والد»، «بالغ» امیر مسعود غزنوی

در این نمودار مولفه (والد) بسامد بالایی شخصیت مسعود غزنوی و عملکردهای او را نشان می‌دهد بعد از آن کودک و سپس بالغ با درصد کمی قراد دارد.



نمودار (۹) بسامد والد «مستبد و مهربان» امیر مسعود غزنوی

نتیجه‌گیری

ایگو یا والد از دوران کودکی بر اساس مشاهدات فرد در حافظه ثبت می‌شود و زمانی که با منبع قدرت مواجه شده جلوه‌هایی از جمله بایدها و نبایدها، امر و نهی کردن را ایجاد می‌کند. والد مدام قانون تدوین می‌کند علاوه بر این نماینده سنت‌ها و ارزش‌های درون فرد نیز است. زمانی که بالغ شخصیت اطلاعات کافی نداشته باشد والد برای تصمیم‌گیری مقتدرانه وارد عمل می‌شود اگر والد مستبد باشد با تکانه‌های ناخوشایند، ترس، نگرانی و نفرت را ایجاد می‌کند. حاکمان غزنوی، غلامانی بودند که از نظامی‌گری به حکومت رسیده بودند و خصلت استبداد و نظامی‌گری در وجود آن‌ها ریشه دوانده بود. از طرفی آن‌ها با تقدس بخشیدن به حکومت و استفاده ابزاری از دین جنایت خود را توجیه می‌کردند. تصمیم‌گیری‌های آمرانه، بدون توجه به عامه مردم، تظاهر و فریب‌کاری، خودرایی سلطان، ارعاب و تهدید از مصادیق «والد» مستبدانه «محمود و مسعود» بود. در نظام آن روز مردم باید مطیع اوامر سلطان بودند و مصادیقی چون «بندگان را نرسد که خداوندان را گویند که فلان کار باید کردن...» «تخلف از دستورات او بسان تخلف از دستورات خداوند است و گناه محسوب می‌شود»، «فرمان خداوند را باشد ما فرمان‌برداریم» و جملاتی از این قبیل نشان‌دهنده خشونت غریزی و عقده‌سالیان مقابله قدرت و عاطفه بین محمود و مسعود بود. حالت «من» والدانه امیر مسعود بازسازی حالت من والدانه امیر محمود را نشان می‌دهد. حالت من «والد» او الزاماً فاقد قدرت ادراک و توانایی شناخت است و به عبارتی مبنای ثابت و گاهی مبنای اختیاری در تصمیم‌گیری‌های اوست. او اطلاعات کافی برای تصمیم‌گیری «بالغ» ندارد، بنابراین «والد» او وارد عمل می‌شود اما در برخی موارد با وجود اطلاعات کافی بالغ، باز هم والد عملکرد نشان می‌دهد. مسعود غزنوی با شیوه منفعلانه و تفکر مستبدانه، جنبه‌های مرتبط مورد نیاز برای اتخاذ تصمیم‌گیری سودجویانه را با بازی‌های

روانی انجام می دهد او با استفاده از تشدیدکننده‌ها (قوانین، امر و نهی و کشتار...) مسئولیت عاطفی خود را به عنوان حاکم جامعه محدود کرده و رنج و ناراحتی را افزایش می دهد. واکنش تنفر لذت بخش او برانگیخته شده و سبب تجهیز روانی او می‌گردد تا به سراغ تصمیم‌گیرهایی برود که پیش‌نویس‌های قدیمی او را به روی صحنه می‌آورد. با این همه او دارای خصلت‌های «والد مهربان» نیز هست؛ آن‌جا که مصالح شخصی در آن دیده می‌شود. امیر مسعود گاهی به حالت «من کودک» خود نیز سری می‌زند در موقعیت‌هایی چون میهمانی‌ها «خیشخانه»، جشن‌ها و مسابقات ورزشی، نگه‌داری طاووس، تمایلات جنسی و خوشگذرانی‌ها اظهار پیشمانی و ندامت در قضیه لشکرکشی آمل و خبر دادن مجازات کردن علی قریب تا امیر محمد را خوشحال کند. در همه این موارد امیر مسعود با حالت کودک خود رفتار می‌کند اما «والد مستبد» او دارای بسامد بیشتری است. از میان سه حالت او «کودک و بالغ» در رده‌های بعدی قرار دارد.

منابع

کتاب‌ها

- استوارت، یان و جونز، ون (۱۳۹۵) تحلیل رفتار متقابل: تاملی در روان‌شناسی تجربی، ترجمه بهمن دادگستر، تهران: نشر دایره.
- استینر، کلود (۱۳۹۵) پیش‌نویس‌های زندگی در تحلیل رفتار متقابل، ترجمه علی بابایی زاده، آزاده سجادی نسب، تهران: نشر آوسیا.
- باسورث، ادموند کیلفورد (۱۳۸۴) تاریخ غزنویان، جلد ۱ و ۲، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- برن، اریک (۱۳۹۱) بازی‌ها، روان‌شناسی روابط انسانی، ترجمه اسماعیل فصیح، تهران: نشر ذهن آویز.
- برن، اریک (۱۳۹۵) بعد از اسلام چه می‌گویید؟، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران: نشر پیکان.
- برن، اریک (۱۳۹۶) تحلیل رفتار متقابل، ترجمه اسماعیل فصیح، تهران: فرهنگ نشر نو.
- بهرامی مویذ، منصور (۱۳۹۵) مفاهیم تحلیل رفتار متقابل، تهران: نسل نواندیش.
- بیهقی، محمد بن حسین (۱۳۸۸) تاریخ بیهقی، به کوشش خطیب رهبر، تهران: نشر مهتاب.
- دهقانی، محمد (۱۳۹۵) حدیث خداوندی و بندگی، تهران: نشر نی.

کارخانه‌ای، بهرام (۱۳۸۵) تحلیل رفتار متقابل در خدمت موفقیت‌های فردی و اجتماعی، تهران: انتشارات شهر آب.

متینی، جلال (۱۳۸۶) سیمای مسعود غزنوی در تاریخ بیهقی، به کوشش محمد جعفر یاحقی، یادنامه ابوالفضل بیهقی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

هریس، تامس (۱۳۹۱) وضعیت آخر، ترجمه اسماعیل فصیح، تهران: فرهنگ نشر نو.

هریس، تامس (۱۳۹۵) ماندن در وضعیت آخر، ترجمه اسماعیل فصیح، تهران: انتشارات نشر

نو.

هی، جولی (۱۳۸۰) روان‌شناسی موفقیت در محیط کار، ترجمه مینو پرنیانی، تهران: انتشارات

رشد.

ویدوسون، مارک (۱۳۹۲) تحلیل رفتار متقابل (تحلیل تبادلی)، ترجمه زهرا قلخانی، تهران:

انتشارات ارجمند.

مقالات

صحرائی، قاسم، و میرزایی مقدم، مریم. (۱۳۹۰). بی‌اعتمادی در دستگاه مسعود غزنوی و

دلایل آن در تاریخ بیهقی. پژوهش‌های تاریخی، ۳(۳)، ۱۱۳-۱۳۰.

عادل‌زاده، پروانه، عمران‌نژاد، نسرین، و پاشائی فخری، کامران. (۱۳۹۹). بازی‌های «پدریان» و

«پسریان» در تاریخ بیهقی براساس نظریه «بازی‌های» اریک برن. زبان و ادب فارسی، ۱۲(۴۳)،

doi:20.1001.1.2008899.1399.12.43.4.0.9۰-۶۷

کاظم‌زاده قندیلو، رسول، مشتاق‌مهر، رحمان. (۱۳۹۹). تحلیل گفتمان «تاریخ بیهقی» بر اساس

نظریه فراتابی زبانی فرای و بازی زبانی ویتگنشتاین. تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی

(دهخدا)، ۱۲ (پیاپی ۴۴)، ۱۳-۴۲. doi: 10.30495/dk.2020.677774

پایان‌نامه

استاجی، ابراهیم، صادقی‌منش، ابراهیم، رحیمی، ابوالقاسم (۱۳۹۲) والدسالاری در ادب فارسی

از گونه‌شناسی تبادل در سیاست‌نامه تذکره‌الاولیا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه حکیم

سبزواری.

References

Books

Bahrami Moid, Mansour (2015) *Concepts of interaction analysis*, Tehran: Nesl Navandish.[In Persian]

Beren, Eric (2011) *Games, psychology of human relations*, Trans. Esmail Fasih, Tehran: Mendan Aviz Publishing.[In Persian]

Bern, Eric (2016) *Analysis of Reciprocal Behavior*, Trans. Esmail Fasih, Tehran: Farhang Eshar New. [In Persian]

Beyhaqi, Mohammad bin Hossein (2009) *History of Beyhaqi*, by the efforts of Khatib Rahbar, Tehran: Mehtab Publishing.[In Persian]

Bosworth, Edmund Kilford (2004) *History of Ghaznavids*, Volumes 1 and 2, translated by Hasan Anoushe, Tehran: Amir Kabir Publications.[In Persian]

Burn, Eric (2015) *What do you say after Islam?*, Trans. Mehdi Karacheh Daghi, Tehran: Nash Pikan.[In Persian]

Dehghani, Mohammad (2015) *Hadith of God and Servant*, Tehran: Nei Publishing. [In Persian]

Harris, Tamas (2011) *The last situation*, Trans. Esmail Fasih, Tehran: New Publishing House.[In Persian]

Harris, Tamas (2015) *Staying in the last state*, Trans. Esmail Fasih, Tehran: New Publishing House.[In Persian]

Hay, Julie (2008) *Psychology of Success in the Workplace*, Trans. Mino Parniani, Tehran: Rushd Publications.[In Persian]

Karahan-e, Bahram (2016) *Analysis of mutual behavior in the service of individual and social success*, Tehran: Shahr Ab Publications.[In Persian]

Matini, Jalal (2007) *The image of Masoud Ghaznavi in Beyhaqi's history*, with the efforts of Mohammad Jafar Yahaghi, Abolfazl Beyhaghi's memoir, Mashhad: Ferdowsi University Publications.[In Persian]

Steiner, Claude (2015) *Drafts of life in the analysis of mutual behavior*, Trans. Ali Babaeizadeh, Azadeh Sajjadi Nesab, Tehran: Avesia Publishing.[In Persian]

Stewart, Ian and Jones, Van (2015) *Reciprocal Behavior Analysis: Reflections on Experimental Psychology*, translated by Bahman Dadgostar, Tehran: Publishing Circle.[In Persian]

Widdowson, Mark (2012) *Reciprocal behavior analysis (exchange analysis)*, Trans. Zahra Qalkhani, Tehran: Arjmand Publications.[In Persian]

Articles

Adelzadeh, P., Omran Nejjad, N., & Pashaie Fakhri, K. (2020). "Father's" men and "Son's" men games in Bayhaqi history Based on Eric Burns' theory of games. *Persian language and literature* , 12(43), 67-90. doi:20.1001.1.2008899.1399.12.43.4.0 [In Persian]

Adel-zadeh, Parvaneh, Omran-nejad, Nasreen, and Pashai Fakhri, Kamran. (2017). Analyzing the mutual behavior of historical figures based on Eric Berne's theories. *Literary text research conference*, 327-327. [In Persian]

Kazemzadeh, R., & Moshtaq Mehr, R. (2020). Discourse Analysis of Beyhaghi History Based on the Fray Language Transcendental Theory and Wittgenstein Language Game. *Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, 12(Consecutive44), 13-42. doi: 10.30495/dk.2020.677774. [In Persian]

Sahraei, G., & Mirzaemoghadam, M. (2011). Disloyalty and its reasons in Masoud Gaznavidâ scourt Beihaqhiâ sinterpretation. *Historical Researches*, 3(3), 113-130. [In Persian]

Thesis

Staji, Ebrahim, Sadeghi-Manesh, Ebrahim, Rahimi, Abulqasem (2012) Patriarchy in Persian literature from the typology of exchange in the politics of tazkira al-aulia, master's thesis, Hakim Sabzevari University.[In Persian]

Thesis

Staji, Ebrahim, Sadeghi-Manesh, Ebrahim, Rahimi, Abulqasem (2012) *Patriarchy in Persian literature from the typology of exchange in the politics of tazkira al-aulia*, master's thesis, Hakim Sabzevari University.

Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)

Volume 15, Number 58, Winter2023, pp. 153-178

Date of receipt: 30/12/2020, Date of acceptance: 4/8/2021

(Research Article)

DOI:[10.30495/dk.2021.1919178.2169](https://doi.org/10.30495/dk.2021.1919178.2169)

Scrutinizing the Patriarchic Attitudes of Masoud Ghaznavi in *Beihaghi History* According to Eric Berne's Theory

Nasreen Omran Nejad¹, Dr. Parvaneh Adelzadeh², Dr. Kamran Pashai Fakhri³

۱۷۸

Abstract

According to theory of Eric Berne, any person involves specific behavioral patterns that depict his ego states. However, a person might depict different behavioral pattern under various ego states that are contrary to his previous behaviors. This viewpoint led to proposition of Ego state. Eric Berne, the founder of Transactional Analysis divides ego states into parent, adult and child. Based on this theory, parent is one of the personality states of a person that humans obtain it from their parents or power paradigm. Parent appears as the kind supportive parent and controlled parent. In the kind supportive parent state, the person has characteristics such as supportive, generous and intimate. In the state of the controlled parent, the person is selfish, punisher and tyrant. By descriptive and analytical method and by reference to the *Beihaghi History* and Eric Berne's viewpoints and interdisciplinary approach, this research investigates the three components such as personality, types of parents and their exemplars in the personality of Amir Masoud Ghaznavi. The results show how Masoud Ghaznavi acts in different states and depicts the ego state of parent in his actions and what are the mental states of these behaviors. It is inferred that Masoud Ghaznavi has removed the state of adult and shows the state of tyrant parent and depicts the approaches such as power, threat, intimidation and tyranny.

Keywords: Eric Berne, transactional analysis, parent, *Beihaghi History*, Amir Masoud Ghaznavi.

¹ . Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. nasrin.omrannejad@gmail.com

² . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. (Corresponding author) Adelzadehparvaneh@yahoo.com.

³ . Professor of the Department of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. pashaiekamran@yahoo.com